



متن سخنرانی

جناب آقای احمد مسجدجامعی
وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی
درباره

نقش موقوفات در خدمت رسانی **فرهنگی و اقتصادی**

بنده خدمت جمع عزیز دانشمندان، علما، میهمانان گرانقدر و برگزارکنندگان این مراسم و احیاکنندگان این سنت حسنه اسلامی عرض سلام و خیرمقدم و تشکر دارم.

این اجلاس خوشبختانه در تداوم فعالیت های خود توانسته است به افق های نوینی دسترسی پیدا بکند و ما امروز شاهد تلاش وسیع دوستانمان در سازمان به ویژه تلاش ریاست محترم سازمان و نماینده مقام معظم رهبری برای جهانی شدن هفته وقف هستیم که پیشنهاد ارزشمندی است و ظرفیت و زمینه آن هم با توجه به تجربه هشت دوره گذشته وجود دارد.

وقف ریشه در فطرت و خواست عمومی همه انسان ها دارد. وقف امری است که در همه جهان و همه طول تاریخ به چشم می خورد. اما در حوزه تفکر اسلامی و تمدن اسلامی ویژگی هایی دارد که این ویژگی ها را می توانیم مبنای تمدن و فرهنگ اسلامی، هم در حوزه اقتصادی و هم در حوزه تفکر جمعی قلمداد کنیم. تاریخ نگاران از وقف های ابراهیم خلیل الله یاد کرده اند. در سنت ادیان ابراهیمی این رویه را در شکل های مختلف آن شاهد هستیم. در سنت ایرانیان قدیم شاهد موقوفاتی بوده ایم. این موقوفات تنها برای معابد و مراکز دینی نبوده بلکه در حوزه خدمات اجتماعی جایگاه ویژه ای داشته است. در همین دوران شاهد آثاری هستیم که برخی از آنان تا کنون باقی مانده است.

در فیروزآباد فارس پلی ساخته شده است و بر روی این پل کتیبه ای نصب شده است که این کتیبه بیانگر نوع نگاه وقف و اختصاص این مال به خدمت عمومی است. در کتیبه آمده است که این پل به فرمان شخصی که در قرن پنجم میلادی می زیسته است برای آرامش روان و به هزینه خود ساخته و وقف کرده است. هر کسی از این پل بگذرد بر او و پسرانش به خاطر ساختن این پل دعای خیر بکند. در طبقه بندی روزگار باستان، موقوفات در دو گروه گنجانیده شده است، یا برای آرامش روان و یا برای معابد و مقاصد دینی بوده است. این موقوفات در وهله اول به دست افراد حقیقی و شناخته شده انجام می شد. کاربرد ویژه موقوفه مشخص بود. کار خیر خواهانه ای که مورد نظر واقف بود بیان می شد و این موقوفات نه قابل واگذاری بود و نه قابل تصرف بلکه اصل مال باقی می ماند و از منافع آن گروه های مختلف و افراد مختلف بهره می بردند. در حقیقت هدف واقف جاری کردن عمل خیری بود در عرصه ای به وسعت ابدیت و دادن پاسخی به درد جاودانگی انسان که در همه جهان تسری دارد. این سنت بعدها مورد تأیید شارع مقدس اسلام قرار گرفت، و احادیث نبوی به



ویژه تشویق و ترغیب در این امر را بین مسلمانان توسعه داد. سیره حضرت نبی و ائمه بزرگوار ما و بزرگانی که از ایشان تبعیت می کردند همه به نوعی مؤید این قضیه بوده است. شاید اولین موقوفاتی که در جهان اسلام اتفاق افتاد توسط خود حضرت بود. که بوستانهای هفتگانه را وقف کردند، مسجد قبا و مسجد النبی را و بعدها این روال ادامه پیدا کرد.

انجام امور وقف در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی به سرعت گسترش یافت. استفاده از موقوفات در این نظام تنها برای اماکن و مراسم دینی محدود نماند. در نگاه ما خدمت به مردم به عنوان یک اصل پذیرفته شده است. از معصوم (ع) روایت شده است که در خانه خدا کسی است که دائم به عبادت خدا مشغول است و کس دیگری هم هست که به خدمت زوار خانه خدا مشغول است. فرموده اند اجر کسی که خدمت به مردم می کند بیشتر است. روایات متعددی در زمینه خدمتگزاری به مردم وارد شده و از این روست که وقف به عنوان عملی که ریشه در فطرت دارد مورد تأیید شارع مقدس بوده است. وقف ابعاد بسیار گسترده ای در نظام اسلامی پیدا کرد به ویژه در نظام ما که دین و دنیا مکمل یکدیگر هستند و از یکدیگر جدا نیستند. هر خدمتی که به اعتلای جامعه اسلامی و رفاه عمومی منجر بشود، می تواند در گنجینه اعمال و ثواب اخروی افراد قرار بگیرد و از این حیث است که ما شاهد شکل گیری نهادهای بسیاری در حوزه وقف هستیم و صورت وقف در فرهنگ ما شکل دیگری پیدا می کند. در حوزه خدمت رسانی، نخستین موقوفات، نسبت به این موضوع وجود دارد. از همان ابتدا کسانی بودند که چاههایی را برای زائران خانه خدا وقف کردند. کسانی بودند که تسهیلاتی فراهم می کردند برای آبرسانی به زائران. در موقوفات مربوط به حضرت علی علیه السلام این موارد آمده است. در سایر اماکن و مشاهد دینی از جمله آبرسانی نجف، موقوفات گسترده ای هست. در قرن چهارم این موقوفات احیا و مرمت شده و هفده بار تا زمان معین التجار بوشهری که از شبکه جدید آبرسانی استفاده کرد این موقوفات ترمیم شده است. ایجاد آب انبارها، قنوات، تعمیر و مرمت کانال های آبرسانی، اینها همه بخشی از موقوفاتی بوده که در این زمینه وجود داشته است. در حوزه موقوفات به قدری با گستردگی مواجه هستیم که برخی از موضوعات که به ذهن هم چندان مانوس نیست در حوزه موقوفات قرار گرفته است.

آنچه امروز به عنوان حفظ محیط زیست در جهان مطرح می شود و پیروان و طرفداران بسیاری به ویژه در حوزه های فکری و فرهنگی دارد و نوعی پاسخ گویی به نگاه دوره جدید در تسلط بر طبیعت است، مادر سنت موقوفه قدیم شاهد جلوه های زیبایی از آن بوده ایم. کشور ما محل عبور پرندگان مهاجر است که در فصل سرما از مناطق سرد سبیری به طرف جنوب ایران پرواز می کنند. در موقوفات مادر قرن هائیش برای غذای این پرندگان پیش بینی لازم شده است. برای پرندگانی که زمستان ها را در تالاب های ایران می گذرانند از درآمدهای زمین های موقوفه کشاورزی سهمی تعیین می شده تا در ماه هایی که دانه به سختی در اختیار آنها قرار می گرفت، دانه ها را بریزند و از تلف شدن پرندگان جلوگیری کنند. موقوفه برای جلوگیری از حرکت شن های روان که امروز مسأله اساسی بعضی از شهرهای جهان و ماست از قدیم مورد توجه واقفان بوده است. ما موقوفاتی داشته ایم که نیکوکاران شهرها سرمایه ای را به کار انداخته اند و درآمد آن عاید کسانی می شود که کارشان توقف شن های روان و حتی برگرداندن شن های روان بیابان از شهرها بوده است.

وقف و توسعه دانش

در حوزه آموزش در تمدن اسلامی موقوفات مربوطه به قدری گسترش یافته بود که بی آنکه حکومت‌ها و دولت‌ها نقشی را در ارتقای فرهنگ و آموزش داشته باشند شاهد رونق دستگاه‌های آموزشی بوده‌ایم. به مدد همین موقوفات بوده است که بسیاری از دانشمندان از خانواده‌های فقیر و مستمند برخوردار شده و به کرسی تدریس بزرگترین مراکز علمی و پژوهشی زمان خود تکیه زدند. به مدد همین موقوفات بود که این اطمینان خاطر برای دانشمندی به وجود می‌آمد که از مغرب جهان اسلامی حرکت کند و بی هیچ دغدغه‌ای از گذران و معیشت زندگی، شهرها را ببیند و به شرق جهان اسلام بیاید و به زیارت خانه خدا و رسول خدا بشتابد و در آرامش کامل به تدریس و تحصیل و گفتگو با بزرگان و اصحاب فکر و فرهنگ بپردازد و اثر خودش را عرضه کند. این که شما می‌بینید سفرنامه‌های ارزشمندی نوشته شده و گزارشگر گزارش می‌دهد که در هر شهر چقدر مانده و چگونه سلوک کرده است این همه به مدد امکاناتی بوده که برای اهل علم و دانشمندان و دانشوران فراهم می‌شده است و مبنای بسیاری از آنها همین موقوفات بوده است. در سنت قدیم، نظام آموزشی در اختیار دولت‌ها نبوده و این نهادها موقوفه بودند که به عنوان یک نهاد واسطه پاسخ‌گویی به نیازهای عمومی مردم می‌پرداختند. در همین موقوفات شاهد شکل‌گیری کتابخانه‌های بزرگی هستیم که هنوز هم آثار و بقایای آن را در برخی از شهرهای کشور ملاحظه می‌کنیم. برای این کتابخانه‌ها تنها کتاب وقف نمی‌شد بلکه موقوفاتی در نظر گرفته می‌شد که به گنجینه و ذخیره این کتابخانه‌ها اضافه شود تا از آنها حفظ و حراست شود و شرایط نگهداری مطلوب آنها فراهم شود. در گذشته که مابا صنعت چاپ و صنایع فرهنگی ارتباط نداشتیم و راقانی را در نظر می‌گرفتند که آثار را از کتاب‌ها و کتابخانه‌های دیگر بنویسند و در اختیار کتابخانه قرار بدهند و این کتاب‌ها صرفاً در حوزه کتاب‌های دینی نبود. ما موقوفاتی داریم که از زمان بیزانس آثاری را ترجمه می‌کرده‌اند و صاحب وقف مقید بوده است که تنوع علم و دانش را در مجموعه خودش داشته باشد. از زبان چینی و زبان سریانی ترجمه می‌کردند. اینها همه موقوفه داشته است. در حقیقت موقوفات به گسترش علم و دانش در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی کمک شایانی کرده‌اند و بی‌شک یکی از عمده‌ترین شاخه‌های وقف و موقوفه در جهان اسلام حول محور کتاب و علم و ورزش و دانش آموزشی و خردورزی شکل گرفته است. هر جا که عالم بزرگی بوده است هر جا که تأسیسات آموزشی بزرگی شکل گرفته است بی‌شک در کنار آن شما چهره یک فرد خیر را می‌بینید که موقوفه بزرگی را برای این مجموعه در نظر گرفته است.

وقف در حوزه خدمات عمومی

مادر حوزه خدمات عمومی از موقوفات به عنوان یکی از نهادهای خدمت‌رسانی نمونه‌های برجسته‌ای داریم. مثلاً موقوفه برای محل گم‌شدگان و اسیران و پیرمردان و در راه ماندگان و جالب اینکه موقوفات عام هیچ اختصاصی به مسلم و غیرمسلم نداشت. در کشور خودمان چنین موقوفاتی را هم اکنون نیز داریم. موقوفات اجتماعی، وقف نان و طعام و مهمانی و ضیافت را هم در بر می‌گرفت که اعلام می‌کرد: هر کس در خانه درآید نانش دهید و نامش نپرسید. مرحوم آیت‌الله کوهستانی که از معاصرین بودند هر کس به ایشان مراجعه می‌کرد سفره غذایی‌شان برای همه گسترده بود. ما در موقوفات مربوط به امام رضا، علیه السلام، حتی برای طبقات برتر

اجتماعی هم موقوفه‌های ویژه خودشان را داریم. گردشگاه‌ها، پل‌ها و آب‌انبارها همه اینها موقوفات خاص خود را دارند. بنابراین حوزه وقف در تمدن و فرهنگ اسلامی به عنوان یک عامل قدرتمند در کنار حکومت و دولت عمل می‌کرد. از قرن دهم میلادی گزارش‌هایی از موقوفات ایران وجود دارد.

تقریباً تمام کسانی که در آن دوره گزارشی از وضعیت ایران داده‌اند بر این نکته اذعان داشته‌اند که اداره حکومت بدون کمک موقوفات میسر نیست. گزارشگران و سفرنامه‌نویسان خارجی که در آن عصر به ایران آمده بودند گزارش از کثرت و کاربرد موقوفات در حوزه‌های مختلف داشته‌اند. موقوفاتی که گرمابه‌ها و قنوات و راه‌های عبور و مرور، پل‌ها و مدارس علمی و هنری و مدارس دینی و مساجد و معابد و همه اینها را پوشش می‌داد و حتی آورده‌اند که عده‌ای در چشم و هم چشمی بایکدیگر موقوفاتی را به این گنجینه و سرمایه اجتماعی می‌افزودند. در یکی از همان سفرنامه‌ها از صد موقوفه عمده فقط در یکی از شهرهای ایران یاد می‌کنند و این را جدای از موقوفات فراوان که به صورت موردی و جزئی به عمل آمده است می‌دانند. اگر از این زاویه به مسأله موقوفات نگاه کنیم آنگاه وقف و موقوفه در حوزه تمدن و فرهنگ اسلامی جایگاه دیگری می‌یابد و از این حیث تمدن و فرهنگ ما متمایز می‌شود.

چند سال پیش همزمان با نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران اثری توسط یک ناشر خارجی با همکاری یکی از ناشران ایرانی عرضه شد. این اثر متعلق به نویسنده‌ای است که فرهنگ دوزبانه فارسی، انگلیسی و فارسی، عربی را هم‌زمان در بیش از صد سال پیش و شاید ۱۲۰ سال پیش نوشته است. من در این اثر به مدخل وقف مراجعه کردم تا ببینم برداشت یک نویسنده خارجی از وقف در کشور ما چیست و معادل آن چیست. تعریفی که ایشان از وقف داده بود این بود: اختصاص میراث یا مالی به طور پیوسته و دائم برای خدمات عمومی بخصوص در مسائل اجتماعی و بهداشتی. اما این اثر برای وقف هیچ معادلی را در زبان‌های اروپایی نشان نداده بود و این نشان می‌دهد که وقف در این معنا خاص حوزه تمدن و فرهنگ اسلامی است و من تصور می‌کنم با توجه به ابعاد گسترده وقف، جای آن دارد که ما تاریخ تمدن و فرهنگ خود را با توجه و عنایت به این پایگاه مهم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دوباره بیان و تبیین کنیم و راز و رمز موفقیت‌های این تمدن و تاریخ پرافتخار را جستجو کنیم.

صورت‌های مختلف وقف در نسبت با شرایط و زمان و مکان هم متحول شده است؛ مثلاً ما در نخستین دوره‌های اسلامی برای رباط‌ها موقوفاتی داشتیم. مخصوصاً در شمال آفریقا که مرز بین اسلام و غیراسلام بوده. در مناطقی از شمال ایران نیز رباط‌هایی بوده‌اند که نیروهایی در آنجا برای پاسداری از مرزهای دین و شرف مسلمانان اجتماع می‌کردند. مادر شمال آفریقا هنوز شهری را به این نام داریم که میعادگاه دلاوران ایرانی و خراسانی در دفاع از دین بوده و سال‌ها در آنجا قدرت را در اختیار داشته‌اند و از حدود و ثغور اسلام دفاع می‌کرده‌اند. این رباط‌ها موقوفات فراوانی داشته‌اند. بعد که شرایط عوض شده است اینها تبدیل به پایگاه‌های علما و عرفا شده است. بعدها حتی برای آزادی کسانی که در اسارت مسلمانان بوده‌اند خود مسلمانان موقوفاتی را قرار داده‌اند هر چند که آن اسرا مسلمان هم نبوده‌اند.

تنوع موقوفات متناسب با رشد حوزه تمدن اسلامی متفاوت بوده زمانی که نیازهای جدیدی مطرح می‌شده

متناسب با آن نیازها وقف جدیدی مطرح می شده است. مادر موقوفات داریم که برای روشنی اماکن متبرکه نذوراتی داشته اند بعدها داریم که همین نذورات برای اماکن متبرکه در شکل جدیدی مطرح شده است. بنابراین مسأله وقف در حوزه تمدن و فرهنگ ما اولاً باعث نهادینه سازی فرهنگ دینی شده است و بسیاری از آیین های دینی شکل نهادینه پیدا کرده است. در ایام عزاداری حضرت سیدالشهدا، علیه السلام، شاهد موقوفات بسیاری هستیم که مبنای نهادینه شدن این فعالیت را فراهم کرده اند و از قبل آنها نهادهای مردمی بسیاری شکل گرفته است. و ثانیاً باعث جلوگیری از انباشت ثروت شده اند و ثروت فردی را به نفع یک حرکت عمومی و ادای دین به جامعه به کار گرفته اند. وقف تلاشی در جهت تأمین عدالت اجتماعی بوده است. شکل هایی را که من عرض کردم همه به نوعی بیان عدالت اجتماعی و تلاش برای رسیدن به جامعه ایده آل اسلامی از طریق وقف و موقوفه است. بعلاوه این موقوفات انعطاف پذیری داشته اند و متناسب با شرایط زمان و مکان متحول بوده اند. هیچ کس در مناطق شمالی کشور قنات و آب انبار وقف نکرده است. هیچ کس در شرایطی که نیاز به رباط برای دفاع از مرز مسلمان نبوده در این زمینه هزینه ای نکرده است و بالاخره موقوفات موجب آرامش روحی و روانی جامعه اسلامی شده اند. با تکیه بر این پشتوانه معتبر و عظیم فرهنگی و تاریخی می توانیم به سنت های پسندیده اقتدا کنیم و آنها را احیا کنیم. اعتماد اجتماعی نسبت به وقف و موقوفه نیازمند نظام حقوقی متناسب با شرایط امروزی است و در این نظام حقوقی نقش و نیت واقف و عمل به وقف شاید بیش از هر چیز دیگری تأثیر داشته باشد. کمک نهادهای مردمی و مشخص کردن حدود و ثغور دخالت دولت از مواردی است که می تواند اطمینان عمومی را ایجاد کند. بالاخره ایجاد حرمت و حیثیت برای واقفان و موقوفات و عمل به آن از ملاحظات عمده در این راه است. ما چند سال پیش در این زمینه مصوبه ای را در شورای انقلاب فرهنگی به تصویب رساندیم. در آن به صراحت آمده است از نام اشخاص خیری که تأسیسات مهم عام المنفعه احداث کرده اند می توان برای نام گذاری اماکن استفاده کرد؛ همانند دانشمندان علوم دینی، فیلسوفان بزرگ، دانشمندان علوم پزشکی، ریاضی دانان، شاعران، نقاشان، موسیقی دانان، معماران، خطاطان، نویسندگان و مورخان. بنابراین پیشنهاد من علاوه بر شکل دهی ساختار حقوقی مسأله وقف در شرایط امروز و پاسخگویی به نیازهای امروز جامعه ایران این است که مادر این مجموعه اسامی واقفان بزرگ را بگنجانیم و به این ترتیب از تلاش آنها تقدیر بکنیم. این امر کمکی به روحیه و بسط نشاط در حوزه موقوفات خواهد بود. علاوه بر آنکه نیت واقف را که استمرار نام نیک است برآورده خواهد ساخت و زمینه مشارکت بیشتر را فراهم خواهد ساخت و بر اعتماد اجتماعی در این حوزه خواهد افزود.

برای همه شما عزیزان آرزوی توفیق دارم و امیدوارم تلاشی که دوستان مادر این زمینه آغاز کرده اند بتواند هر چه زودتر در ابعاد گسترده بین المللی جای خود را پیدا کند و ما بتوانیم هفته وقف را در جهان اسلام برگزار کنیم. امیدواریم نشست بعدی وزرای اوقاف کشورهای اسلامی این موضوع مهم را در دستور کار خود قرار بدهد و ما حرکات جمعی و سیعتری را در این زمینه ساماندهی کنیم.